

## نگاهی کوتاه به تاریخ داروسازی در ایران و جهان

بشر که خود را اشرف موجودات زنده می‌داند مانند هر موجود زنده دیگر به ادامه زندگی خود علاقمند است و از آغاز پیدایش تاکنون کوشیده که از فنا و نیستی خود جلوگیری کند. این غریزه منحصر به بشر نیست بلکه تمام موجودات زنده عالم دارای این غریزه‌اند با این وصف که نوع بشر بواسطه دارا بودن عقل و دانش بیش از سایر موجودات در این راه کوشش کرده و بهتر از سایر انواع موجودات زنده موفق گشته است. غالباً دیده شده که حیوانات اهلی یا وحشی وقتی دچار بیماری می‌شوند روی همان غریزه طبیعی دنبال وسیله‌ای میگردند که خود را با آن مداوا کنند، اما چه بسا اتفاق افتاده است که وسیله مطلوب را بدست نمی‌آورند. مثلاً گیاهی را که موجب تسکین درد آنهاست پیدانمی‌کنند و ناچار نابود می‌شوند، برعکس بشر با نیروی عقل و دانش با بکار بردن تجربه از وسائلی که در خارج از محیط او یا در دسترس خود دارد

بشر کمال برای بقای زندگی و رفع آلام و بیماری استفاده می‌کند. گذشته از آن بشر قادر است که از ترکیبات دارویی هم به نفع خود بهره بردارد، در صورتیکه برای حیوانات امکان این کاوشها میسر نیست. هر قدر تمدن بشر بالا رود بیش از پیش می‌تواند وسایل کاملتری تهیه نماید. مجموع این اقدامات انسانی علم پزشکی و داروسازی را پدید آورده که طبعا از علوم نفیس و بسیار قدیمی می‌باشند. در قدیم کاهنان معبدها و بطور کلی پیشوایان مذهبی بیش از سایر طبقات در این قسمت شهرت داشتند و در اغلب معبدها نوع مرض و طریقه معالجه و داروی مناسب آن روی کتیبه‌ها منقوش می‌شد. و پیشوایان مذهبی حافظ و نگهبان آن اسرار بودند.

اینان پزشکی و داروسازی را نوعی از رازهای نهفته مذهبی میدانستند که هرکس قادر به استفاده و اطلاع از آن اسرار حیات بخش نبود اما بتدریج این اسرار از گنجینه سلاطین

معنای جدای از کاهن پیدا می‌کند. در اوج درخشش فرهنگ یونانی و همزمان با پیدایش ریاضیات بعنوان یک علم دقیق و مستدل و پیدایش فلسفه و منطق، طبیبانی چون بقراط سعی کردند طب را از جادو و کاهنان و معابد

و کاهنان بیرون آمد و بدست دیگران افتاد و در نتیجه تحقیق و تتبع بدرجه‌ای رسید که در حال حاضر با نیروی علم بشر توانسته است اسرار مهمی از خواص گیاهان و جمادات و مواد حیوانی را کشف نماید و برای مبارزه یا ادامهٔ

### ● در قدیم کاهنان معبدها و بطور کلی پیشوایان مذهبی بیش از سایر طبقات در پزشکی و داروسازی شهرت داشتند و در اغلب معبدها نوع مرض و طریقهٔ معالجه و داروی مناسب آن روی کتیبه‌ها منقوش میشد و پیشوایان مذهبی حافظ و نگهبان آن اسرار بودند.

جدا کرده و آنرا نظیر سایر علوم براساس منطق استوار کنند. نتیجه‌ی این امر چهار حالت سردی، گرمی، سودائی و بلغمی برای بدن بود که امراض را ناشی از اختلال در تعادل این چهار حالت در بدن می‌دانستند. چهار طبع مخالف سرکش

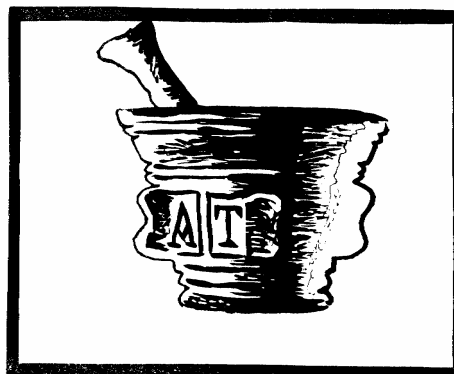
چند روزی شوند با هم خویش  
چو یکی ز آن چهار شد غالب

جان شیرین برآید از قالب  
ارسطو، سقراط و افلاطون توانستند با آزمایشهای شخصی، روش تازه‌ای به علم پزشکی و داروسازی بدهند و پس از آنکه اسکندر به جهانگیری پرداخت معلومات حکمای یونان از آن کشور به سایر نقاط جهان پراکنده شد، چنانکه با کمک و همدستی حکمای یونان و کاهنان مصری در شهر اسکندریه، کتابخانهٔ جامعی درباره علم پزشکی و داروسازی تهیه گردید.

پس از ظهور آئین مسیح، کشیشان هم با تهیه‌ی بعضی از روغن‌ها و مرهم‌ها، و با طلسم و وردهای مذهبی بیماران را مداوا و برای هر نوع بیماری

زندگی از آن بهره‌مند شود. علم پزشکی و داروسازی نظیر هر علم دیگر و یا هر پدیده‌ی اجتماعی در روند تکاملی خود از سایر علوم و اندیشه‌ها و شرایط اجتماعی در هر دوره متاثر گردیده است و برای بررسی و تکامل این علم لازم است که سوابق تاریخی و ویژگیهای آنرا بطور اختصار مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. انسان اندیشمند از زمانیکه درد را شناخت بر آن شد که بر نیروهای مولد آن چیره شود. در ابتدا مانند سایر مسائل محیط خویش بیماری را ناشی از نیروهای ماورالطبیعه خواند و سعی کرد با رقص، آواز و جادو ارواح پلید را از کالبد بیمار دور سازد. تدریجا "تجارت هزاران نسل متوالی به او آموخت که فلان گیاه کشنده و دیگری شفابخش است. سپس این اطلاعات بصورت سنن در نزد جادوگر قبيله، و بعداً" در نزد کاهنان جمع گردید، کما اینکه در معابد یونان، کاهنان بیماران را درمان می‌کردند. با آنکه در اغلب ممالک، جادو و ماورالطبیعه بیشتر در معالجه بیماران بکار برده میشدند، با این وجود در مصر برای اولین بار کلمه طبیب

یکی از ذوات مقدس دین مسیح را وسیله معالجه آن مرض میدانستند مثلاً "پترولین مقدس مخصوص شفای بیماری زایمان و والانتین مقدس برای مرض صرع بکار می‌رفت. بعنوان مثال آنتینوس از پزشکان نامی آن زمان برای معالجه



بیماری که استخوان ماهی در گلپوش گیر کرده بود مرتب جلوی مریض فریاد میزد استخوان ماهی ترا بحق بلز مقدس قسم میدهم یا بالا بیا یا پایین برو.

در عصر بقراط، بیماریها را بدستهائی تقسیم کردند و برای هر یک از آنها داروهای مخصوص در نظر گرفتند. مثلاً "برای درد سینه‌پهلوی گذاردن کسپه‌ی آب گرم یا ضماد جو و عدس و سرکه بکار می‌بردند، و برای معالجه‌ی ذات‌الریه ماء‌الشعیر و دم کرده جو میدادند. برای معالجه سل شیر‌اللاغ و شیر بز که گاهی آمیخته با آب و عسل بوده و به نسبت یک سوم با آویشن شیرازی مخلوط شده بود، تجویز می‌کردند. جالینوس حکیم که سرآمد حکمای داروشناس آن زمان بود چند کتاب داروشناسی تألیف نمود و بیماریها و داروها را به سرد، گرم، خشک و مرطوب طبقه‌بندی نمود. مثلاً "به عقیده جالینوس فلفل گرم است زیرا باعث تحریک میشود و تریاک سرد است چون بیحالی و سستی

ایجاد می‌کند. بواسطه همین اقدامات اساسی، جالینوس پدر داروشناسی معرفی شد. داروهای که در دوره جالینوس مصرف میشده گیاهان طبی از جمله کندر، مورد، فلوس، دارچین، زنجبیل، سدر و شبت‌های هندی بوده است.

با جایجا شدن مرکز ثقل تمدن یونانی از آتن به اسکندریه در نتیجه‌ی فتوهای اسکندر مقدونی و تشکیل امپراطوریهای یونانی، پزشکان این سامان شهرت بیشتری کسب می‌کنند. هروفیل طبیب اسکندریه‌ای تشریح انسان زنده را در مورد جانیان شروع کرد و تعداد نبض را از روی ساعت شنی معین نمود.

در چین و هند هر یک به علت اوضاع اجتماعی ویژه خودشان، طب و دارو تکامل جداگانه‌ای می‌یابد. شن ننگ کتاب پن‌تسا‌آویا گیاه‌نامه را تألیف کرد. سپس استفاده از سوزن تدریجاً رواج بیشتری یافته و چون چین بعلت اوضاع ویژه خود با دنیای خارج تماس چندانی نداشته



است طب چینی و سایر علوم آن، اثر مهمی بر تکامل علم طب در غرب نگذاشته‌اند. در هند بعلت دارا بودن موقعیت طبیعی خاص، ادویه اهمیت بیشتری یافته تا جائیکه ۱۷۰ نوع گیاه شفابخش مورد پرستش قرار می‌گرفته است.

متداول بوده، و در این دوره بعثت گسترش کشور و نفوذ ایرانیها به قلمروهای دیگر، مبادلات علمی و فرهنگی رایج گردیده با این وجود گنجینه طب و دارو در عصر هخامنشی باز هم همان اوستا است که در این دوره طبابت برعهده روحانیون بوده و تربیت پزشکان در سه مرکز (همدان - حری - پرسپولیس) انجام میگرفت. در دوره ساسانیان و در زمان خسرو انوشیروان و به دستور وی دانشگاه جندی شاپور تاسیس و در اندک زمانی مهمترین مرکز علمی جهان آن روز گردید. اواخر دوره ساسانیان یعنی مقارن حمله اعراب، اختلاف شدید طبقاتی در جامعه ایران حکومت میکرد و همچنین آخرین جنگ ایران و روم شرقی که از لحاظ ایران با ناکامی پایان یافت لطمه شدیدی به نیروهای تولیدی کشور وارد آورد مردم شهر و روستا بر اثر مالیاتهای هنگفت که برای احتیاجات و جنگی می پرداختند سخت فقیر گشته و یکی از علل اساسی موفقیت اعراب، عدم رضایت عمومی از حکومت ساسانیان بود. در این زمان است که دوران فرهنگ اسلامی فرامی رسد. طب و

این جریان تا آغاز رنسانس یا رستاخیز علمی اروپا ادامه داشت. در این زمان نهضت عظیم در اروپا پدید آمد و تحقیقات دامنه داری در زمینه داروشناسی و داروسازی آغاز گردید. لاوازیه شیمی دان معروف فرانسوی در انجام اینگونه تحقیقات و بدست آوردن نتایج مطلوب سهم بسزائی دارد، چون او کسی بود که از روی اصول علمی جدید، اسرار مهمی در قسمت فعل- و انفعالات شیمیائی کشف کرد و شاگردان او موضوع تفکیک فلزات از شبه فلزات را تا درجهای تکمیل کرده و بتدریج بخشهای مختلف دارو- شناسی، زهرشناسی، ترکیب داروها، داروهای شیمیائی، داروهای جالینوسی و تجزیه داروها بوجود آمد.

پزشکی و داروسازی در ایران باستان بعثت برخورداری از روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با سایر اقوام (بابل - آشور - مصر - هندوچین - یونان) باید اثراتی از علم این اقوام داشته باشد. از گفتهها و نوشتهها چنین برمی آید که درمان کردن بیماران، و بکار بردن داروها از ایرانیان کهن یا آریائیها شروع شده و در اوستا،

● در اوج درخشش فرهنگ یونانی و همزمان با پیدایش ریاضیات بعنوان یک علم دقیق و مستدل و پیدایش فلسفه و منطق، طبیبانی چون بقراط سعی کردند طب را از جادو و کاهنان و معابد جدا کرده و آنرا نظیر سایر علوم بر اساس منطق استوار کنند.

داروسازی را می توان در این عصر مربوط به چند دوره دانست.

دوره ترجمه: در زمان امویان آغاز شد و در دوره عباسیان با نفوذ ایرانیان در اداره کردن کشور تکامل یافت و زبان علمی زبان عربی شد.

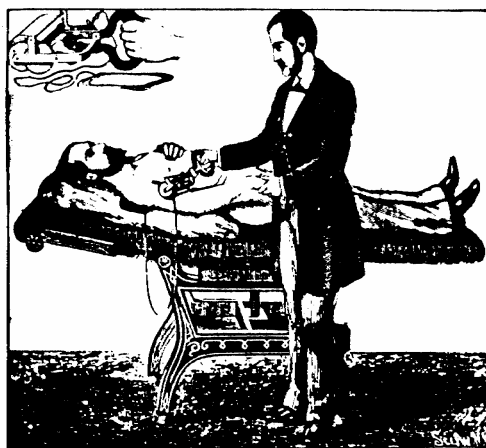
کتاب مذهبی زرتشتیان نیز قدیمی ترین دوره تاریخ پزشکی در کشور ما، دوره آریائیها ذکر شده است (۳۰ قرن قبل از میلاد مسیح). در دوره هخامنشی هسته های پزشکی و داروسازی بطور یقین همانها بوده است که در ادوار دیگر

نگاشته شده است که از آن جمله میتوان از :  
اختیارات بدیعی ، علاجات داراشکوهی ،  
خلاصه التجارب، تحفه المومنین و... نام برد .  
تا اواسط نیمه دوم قرن گذشته ، علوم پزشکی

● ناصرالدین شاه پس از  
مراجعت از اروپا در سال  
۱۲۹۰ دستور داد بیمارستانی به  
سبک غرب بنا نهند که همان  
بیمارستان سینای امروزی است.

و داروسازی از یکدیگر تفکیک نشده بود، و حکما  
در هر دو علم متبحر بودند . از این لحاظ  
پیشرفت این دو علم در ایران هماهنگ بوده  
است . تا این زمان برای آموختن علم پزشکی  
و داروسازی کافی بود که هر فرد در نزدیکی از  
اساتید مدتی شاگردی نموده و همین قدر که به  
رموز کار آگاه گشت میتوانست بطور مستقل مشغول  
کار شود . اغلب اندامهای مختلف گیاهی بعنوان  
دارو توسط حکیم باشی تجویز می شد و بوسیله  
عطارها که نقش داروساز را برعهده داشتند  
تحویل بیماران میگردد . عصاره گیری و سایر  
اعمال لازم هم در منازل با وسایل ابتدایی و  
دور از نظافت روی این قبیل داروها انجام  
میشد . شاید بتوان ورود "پرسیمون موردلس" ،  
سفر فیلیپ پادشاه اسپانیا به دربار سلطان  
محمد خدابنده پادشاه صفوی را ، آغاز رواج  
علوم اروپائیان در ایران دانست . در زمان  
فتحعلیشاه قاجار که همزمان با امپراطوری ناپلئون  
بناپارت در فرانسه بود به علت تماس بیشتر  
با اروپائیان بخصوص آشنائی درباریان ، موجبات  
نشر تمدن و فرهنگ غربی بیش از پیش در ایران

از بزرگان این دوره جابرین حیان که بنام پدر  
علم کیمیا نامیده میشد و یوهنا بن ماسویه که از  
پیشقراولان علم تشریح بود ، هستند .  
دوره تالیفات : در این دوره طب و داروسازی  
پا گرفته و اطبا اکثرا " مسلمان ایرانی هستند .  
علوم از جمله پزشکی و داروسازی شکوفائی ویژه  
می یابد . در این دوره نامهای بسیاری بر تاریخ  
جهان می درخشید که می توان از ابوبکر محمد -  
رازی ، ابوعلی سینا ، ابوریحان محمد بن احمد -  
بیرونی و ابومنصور موفق الهروی نام برد .  
در حدود قرن هفتم هجری در داخل ممالک  
اسلامی صلح و یگانگی و وحدت نظر وجود  
نداشت ، و در این زمان طب و داروسازی روبه  
زوال میرفت . پس از حمله مغول و تیمور ،  
بسیاری از ایرانیان که قدرت و امکان مالی داشتند  
برای رهایی از مظالم و فرمانروایان مهاجم ،  
راه مهاجرت پیش گرفته و جماعتی نیز با ستمگران



هم داستان شدند .  
دوره صفویه از درخشان ترین دوره های تاریخی  
ایران است . در این زمان که شامل قرن ده و  
یازده هجری می شود داروسازی در ایران دارای  
اعتباری بوده ، و کتب بسیاری در این زمینه

فراهم شد. عباس میرزا نایب السلطنه در سال ۱۲۲۶ چهار نفر، و چهار سال بعد ۵ نفر دیگر را برای تحصیلات عالی به اروپا فرستاد که از بین معروفترین محصلین اعزامی که پزشکی

### ● از داروخانه‌های اولیه تهران می‌توان از «داروخانه پاستور» در خیابان چراغ‌برق یاد کرد که قرص ترک تریاک پاستور و خمیردندان پاستور را می‌ساخت.

آموختند میتوان "میرزا بابا دکتر" را نام برد که از پزشکان عباس میرزا و بعد محمد شاه بود. دیگری "حکیم قبلی" است که کتابی درباره بیماریها و درمان آنها با داروهای جدید به سبک اروپائی نوشته که از اولین کتابهای جدید پزشکی به زبان فارسی است.

با آغاز کار دارالفنون به دستور امیرکبیر، "حکیم قبلی" برای تدریس طبیعیات و دارو-سازی جزو معلمین آن استخدام شد و در همین دارالفنون بود که اولین آزمایشهای شیمی به ایرانیان نشان داده شد و علم شیمی شکل امروزی را یافت و رابطه خود را با کمیگری که در ایران آن زمان متداول بود، گسست.

ناصرالدین شاه که چندین بار به اروپا مسافرت کرده بود و تحت تاثیر علوم و تمدن اروپائیان قرار گرفته بود پس از مراجعت از اروپا در سال ۱۲۹۵ دستور داد بیمارستانی به سبک غرب بنا نهند که همان بیمارستان سینای امروزی است. یکی از دانشکده‌های دارالفنون دانشکده طب و داروسازی بود که دروس طب آن تقریباً "از سه قسمت تشکیل می‌یافت.

۱- طب ایرانی: که از کتب قدیمی ایران مانند قانون ابن سینا و شرح اسباب نفیسی برای تدریس استفاده میشده است و اولین معلم آن میرزا-احمد طبیب کاشانی بود که تا سال ۱۲۸۷ به این کار اشتغال داشت.

۲- طبیعیات و داروسازی: اولین معلم این رشته "دکتر فوکتی" داروساز اطریشی بود که در زمان ناصرالدین شاه استخدام شد و به ایران آمد. او اولین آزمایشگاه جدید شیمی را در ایران بوجود آورد. "فوکتی" در سال ۱۲۷۸ هجری قمری به اروپا مراجعت کرد و یکی از شاگردان او بنام میرزا کاظم محللاتی که تازه از اروپا مراجعت کرده بود به جای او بکار پرداخت. ۳- طب اروپائی: اولین معلم این رشته دکتر "پولاک" اطریشی و وظیفه‌اش تدریس طب به روال اروپا بود. پس از او "شلمیر" که یک هلندی بود بتدریس این رشته در دارالفنون پرداخت. جانشین دکتر "شلمیر" میرزا رضا دکتر بود که با فوت او میرزا علی دکتر به جای او منصوب شد.



جدا شدن مدرسه طب و آغاز داروسازی: در محرم ۱۳۳۷ هجری قمری (آبان ۱۲۹۷ هجری شمسی) دکتر محمد حسین خان ادهم (لقمان-الدوله) از طرف احمد شاه به ریاست قسمت طب دارالفنون منصوب شد و برای اولین بار کلاس

رسیده بود، داشته باشند. در سال ۱۲۸۲ هجری شمسی یک داروساز فرانسوی بنام "گوستاولو-کونت" که سرگرد ارتش فرانسه بود بعنوان رئیس آزمایشگاه و داروساز شاه به استخدام ایران

● اولین داروخانه توسط  
«شورین» آلمانی، معلم  
داروسازی دارالفنون و داروساز  
مخصوص ناصرالدین شاه، در  
خیابان ناصرخسرو تهران افتتاح  
شد.

درآمد و در تکیه دولت، آزمایشگاه شیمی دایر کرده و راجع به آبهای کانی مطالعاتی انجام داد و نتیجه آنرا در کتابی به سال ۱۹۰۶ در پاریس به چاپ رساند. در آزمایشگاه وی داروسازان متعدد گرد می آمدند و مرحوم عباسعلی قریب دروس او را ترجمه میکرد. این آزمایشگاه پس از چندی تعطیل شد. اولین مدرسه دوا سازی در سال ۱۳۴۱ هجری قمری برابر ۱۳۰۱ شمسی بعنوان شعبه‌ای در مدرسه عالی طب تاسیس شد. در حالیکه ۹۶ سال از آغاز تاسیس دارالفنون گذشته بود، تنها استاد داروسازی آن دکتر پاپاریان یکی از ارامنه اهل ترکیه بود. به پیشنهاد دکتر پاپاریان برای ورود داروها، موافقت اداره کل صحتیه و سندیکای داروسازان اجباری گردید. در سال ۱۳۰۳ شمسی شعبه مدرسه طب و داروسازی به محل وزارت آموزش- و پرورش کنونی در نزدیک میدان بهارستان منتقل شد و در سال ۱۳۰۵ دوره مدرسه داروسازی سه سال و شرط ورود به آن مدرک سه ساله متوسطه بود. در سال ۱۳۰۹ دوره داروسازی

طب بنام مدرسه طب خوانده شد که محل جداگانه‌ای در حیاط دارالفنون به آن اختصاص یافت. همانطور که قبلاً بیان گردید اولین معلم که برای تدریس داروسازی در آغاز تدریس دارالفنون استخدام شد دکتر "فوکنتی" بود. بعدها "شورین" آلمانی و "مولیون" فرانسوی از سوی دولت استخدام و مامور تدریس طبیعیات و داروسازی در دارالفنون گردید. و هر یک داروخانه‌ای طبق اصول و ضوابط جدید در تهران دایر کردند. پس از رواج طبابت به روش جدید، عده‌ای از داروسازان تحصیل کرده خارجی به ایران آمده و به این فن اشتغال ورزیدند. از آنجمله میتوان از دکتر پاپاریان (ترکیه) گارنیک (ترکیه) نباطی (الزاس) دکتر پتروسیان (سوئیس) را نام برد. منافع که آنان از این شغل کسب کردند عده‌ای را بر آن داشت این حرفه را در پیش گیرند، و چون مقرراتی در بین نبود هر کس میتواند نزدیکی از اساتید خارجی کار کرده و سپس دواخانه‌ای تاسیس کنند. چون این وضع باعث سوء استفاده اشخاص ناصالح شده

● از گفته‌ها و نوشته‌ها چنین  
برمی‌آید که درمان کردن بیماران  
و بکار بردن داروها از ایرانیان  
کهن یا آریائی‌ها شروع شده  
است.

بود در سال ۱۲۹۸ از طرف وزارت معارف نامه‌ی داروفروشی وضع شد که به موجب آن صاحبان داروخانه‌ها ناگزیر بودند دارای اجازه‌نامه رسمی از وزارت معارف یا گواهی نامه از یکی از کشورهای خارج که به تصویب وزارت معارف

به پنج سال افزایش یافت و در سال ۱۳۱۳ با تاسیس دانشگاه تهران هریک از مدارس عالییه دانشکده نامیده شدند که دانشکده داروسازی یکی از این دانشکده‌ها بود. شرط ورود به رشته داروسازی داشتن دیپلم کامل متوسطه و دوره دکتری سه سال پس از دیپلم بود در سال ۱۳۱۸ تحصیلات داروسازی از سه سال به چهار سال افزایش یافت و در سال ۱۳۲۳ دوره تحصیلات داروسازی به پنج سال افزایش یافت. این کار عملاً در سال ۱۳۳۰ به اجراء درآمد و در سال ۱۳۵۳ اولین دوره شش ساله دانشکده داروسازی فارغ التحصیل گردید.

تاریخچه داروخانه: قبل از زمان ناصرالدین شاه، داروها که بیشتر گیاهی و سنتی بودند توسط حکیم باشی‌ها تجویز میشدند و بوسیله عطارها که نقش دواخانه‌دار را بعهده داشتند تحویل بیماران میگردد. عصاره‌گیری و سایر اعمال لازم هم در منازل با وسایل ابتدائی و دور از نظافت روی این قبیل داروها انجام میشد. میرزاتقی‌خان امیرکبیر برای حفظ صحت و سلامت عمومی، نخستین بیمارستان جدید بنام "مریضخانه دولتی" را بوجود آورد. این بیمارستان در سال ۱۲۶۸ افتتاح شد. در این بیمارستان داروخانه مخصوص نیز افتتاح گردید و دو نفر داروساز بنامهای "میرزا فرهاد" و "میرزا عنایت‌اله" در داروخانه کار میکردند، و چون اغلب مجهز به داروهای گیاهی بود بعنوان اولین عطارخانه در یک بیمارستان جدید محسوب میشد. اولین داروخانه توسط "شوربن" آلمانی، معلم دواسازی دارالفنون و داروساز مخصوص ناصرالدین شاه، در خیابان ناصرخسرو افتتاح شد. پس از آن، "مسیو ایگن بوناپی" کنسول افتخاری نروژ، در داروخانه "شوربن" بکار پرداخت. سپس داروخانه دیگری در زمان

مظفرالدین شاه توسط "مولیون" فرانسوی، معلم داروسازی دارالفنون دایر شد. بعداً دو نفر از آرامنه ترکیه بنام "پاپاریان" و "گارنیک" دل‌گی جیان "هرکدام داروخانه‌ای در تهران افتتاح کردند. از شاگردان داروخانه "گارنیک"، یکی مرحوم میرزا محمودخان نجم‌آبادی و پس از آن مرحوم دکتر مهدی نامدار بودند که عهده‌دار این کار گردیدند. از داروخانه‌های قبلی که داروسازان ایرانی به تقلید از استادان خود افتتاح کردند عبارتند از داروخانه پاستور، شرق و خیریه، و بعد از اینها خورشید، جاوید و سیروس، که از آن به بعد تعداد داروخانه‌ها بمناسبت از دیاد جمعیت و فزونی اطباء اضافه گردید. از داروخانه‌هایی که بعد از سال ۱۳۰۰ بود شروع بکار کردند یکی داروخانه "شبانه" بود که جزو موسسات بلدی و در ضلع جنوب شرقی میدان سپه قرار داشت و یک نفر داروساز شب‌ها برای احتیاجات مراجعین در آنجا به خدمت اشتغال داشت. دیگری داروخانه سپه بود که از داروخانه‌های دولتی و برای احتیاجات ارتش در ۳۰ فروردین ۱۳۱۱ افتتاح شد. غیر از داروخانه‌های مذکور، در بیمارستان دولتی، مریضخانه بلدی شماره یک، بیمارستان روزبه، مریضخانه بلدی شماره دو (بیمارستان فارابی)، بیمارستان نسوان و سایر بیمارستانها، داروخانه‌هایی ایجاد گردید. همچنین میتوان از داروخانه نظامی واقع در خیابان چراغ برق که توسط دکتر "هوشنگ‌نظامی" که از فارغ التحصیلان دانشکده داروسازی پاریس بود نام برد. در این داروخانه الکسیر یا شربت ادهم تهیه شد که بزودی فروش نسبتاً خوبی داشت. همچنین از داروخانه پاستور به مدیریت "موسی طوب" در خیابان چراغ برق یاد کرد که قرص ترک تریاک پاستور و خمیر دندان پاستور را میساخت.